

بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران

محمود شارع پور^۱، نادر رازقی^۲، خلیل غلامزاده^۳

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۴، تاریخ تصویب: ۹۰/۲/۱۵)

چکیده

در این مقاله رابطه انواع اعتماد شامل اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی را با اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار داده و سعی کرده ایم به این سؤال پاسخ دهیم که انواع اعتماد چه رابطه ای با اعتماد اجتماعی دارند. روش بررسی در این پژوهش پیمایش است. در این پژوهش دانشجویان دانشگاه مازندران در نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۶-۸۷ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند و تعداد ۴۵۷ نفر از بین ایشان به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش نامه ها بین آن ها توزیع شد. یافته ها نشان داد میزان اعتماد به خانواده و اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی پاسخ گویان زیاد بود. پس از آن و در سطح متوسط و کمتر از متوسط، به ترتیب نزولی، اعتماد به دوستان، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی قرار گرفتند. در این میان، کمترین میزان اعتماد متعلق به اعتماد اجتماعی بود. براساس یافته های این تحقیق، انواع مختلف اعتماد با اعتماد اجتماعی رابطه داشتند. اعتماد نهادی رابطه قوی و معنی داری با اعتماد اجتماعی داشت. اما میزان هردو اعتماد نهادی و اجتماعی در سطح پایینی بود. کم بودن میزان اعتماد اجتماعی احتمالاً تا حدود زیادی به نقش اعتماد نهادی مربوط می شود.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی.

مقدمه

منظور از اعتماد اجتماعی پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است، با این تصور که آن ها چنان که انتظار می رود رفتار خواهند کرد (شارع پور، ۱۳۸۵؛ والر و همکاران، ۲۰۰۷)، یا این که عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود (نیوتن، ۲۰۰۴). اعتماد از گذشته های دور در جوامع انسانی نقش ایفا کرده است، اما در دوران کنونی بر نقش و اهمیت آن افزوده شده است. گفتنی است در جوامع گذشته یا سنتی، اعتماد بین شخصی بیشتری در بین مردم وجود داشته است. در آن جوامع احتمالاً نیازی به ابعاد گسترده تر اعتماد نبوده است، زیرا مردم بیشتر با کسانی ارتباط داشتند که به نوعی با آن ها آشنا بوده اند. جامعه ای که از نعمت اعتماد اجتماعی برخوردار است (یعنی دید مثبتی به همه مردم وجود دارد، نه آن هایی که خیر و خوبی را فقط برای آشنایان خود می خواهند)، نظم، هماهنگی و همبستگی بیشتری وجود خواهد داشت (دورکیم و تونیس، به نقل از چلبی، ۱۳۸۴)؛ از نظر اقتصادی کارآمدتر خواهد بود (پاتنام، ۱۳۸۴؛ فوکویاما، ۲۰۰۱)، دموکراسی بهتر جریان خواهد داشت (امانی جمال، ۲۰۰۷؛ آسلانر، پاکستون، پاتنام، به نقل از پاکستون، ۲۰۰۷) و افراد آن جامعه از سلامت بیشتری برخوردار خواهند بود (فرلاندر، ۲۰۰۷). از دلایل افزایش اهمیت اعتماد اجتماعی در جوامع امروزی می توان به نکات زیر اشاره کرد:

نخست، مردم با گسترش زندگی شهرنشینی و هم چنین گسترش فزاینده ارتباطات، با افراد بیشتری روبه رو می شوند که هیچ آشنایی قبلی با آن ها ندارند. این تغییر وضعیت یادآور نظر تونیس در مورد اجتماع (گمین شافت) و جامعه (گزل شافت) و هم چنین نظر دورکیم در مورد همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی است. در جوامع امروزی که بیشتر خاصیت های جوامع گزل شافت را دارند و همبستگی آن ها بیشتر از نوع همبستگی ارگانیکی است، به جز اعتماد بین شخصی، به انواع دیگری از اعتماد نیز نیاز است که فراتر از اعتماد بین شخصی باشند. هرچند تونیس معتقد بود فضیلت اعتماد فقط از آن جوامع

^۱ دانشیار جامعه شناسی دانشگاه مازندران، sharepour@yahoo.com

^۲ استادیار جامعه شناسی دانشگاه مازندران، razeghi2001@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه مازندران، khalil.gholamzade@gmail.com

گمین شافت است.

بدین ترتیب تغییرات گسترده در شیوه سامان‌دهی اجتماعی (تقسیم کار گسترده و بیش از حد تخصصی‌شدن) موجب این نیاز شده است که به پدیده‌هایی بیش از افراد انسانی اعتماد شود. یعنی این نیاز به وجود آمده است که به قشرها و سازمان‌هایی مانند معلمان، نیروی انتظامی، پزشکان، خلبانان، بیمارستان‌ها، ادارات مختلف و... نیز اعتماد شود. ادبیات موجود حاکی از آن است که اعتماد انواع مختلفی دارد. به طور خلاصه، چهار نوع اعتماد را می‌توان نام برد: اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی. از میان آن‌ها نوع اول ویژگی روان‌شناختی و فردی دارد، نوع دوم با افراد معدودی که آشنا هستند در ارتباط است، اما نوع‌های سوم و چهارم خصیلتی انتزاعی و غیرشخصی دارند. با توجه به اهمیت به خصوص اعتماد اجتماعی و این مسئله که محققان از کم‌شدن میزان آن گزارش می‌دهند (پاتنام، ۱۳۸۴؛ اینگلهارت، به نقل از میستال، ۲۰۰۱؛ رفیع‌پور و بشیریه، به نقل از دینی ترکمانی، ۱۳۸۵) این مقاله در پی بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی می‌باشد. خصوصاً این که چگونه ممکن است اعتماد بین شخصی (نوعی از اعتماد که به احتمال زیاد در بیشتر جوامع یافت می‌شود) به اعتماد اجتماعی که حالتی انتزاعی‌تر دارد تبدیل شود. در این خصوص به‌ویژه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که در انتقال اعتماد بین شخصی به اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی چه نقشی دارد.

ملاحظات مفهومی درباره مفهوم اعتماد

مفهوم اعتماد در صورت‌های مختلفی نمایان می‌شود. متفکران برای اعتماد ابعاد: اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی را در نظر گرفته‌اند. در ادامه، مفهوم هر کدام از انواع اعتماد و رابطه آن‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱. اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی

اعتماد بنیادین نگرشی نسبت به خود و دنیای اطراف است که بر رفتار و اعمال ما اثر می‌گذارد و این فکر را تقویت می‌کند که افراد و امور جهان قابل اعتمادند (اوجاقلو، ۱۳۸۴). این نوع نگرش روان‌شناختی است و در نظریات اریکسون ریشه دارد. اریکسون برای رشد انسان هشت مرحله قایل شده است. اولین مرحله رشد در نظر او، مرحله اعتماد در برابر بی‌اعتمادی است. در این مرحله، نوع رابطه با کودک می‌تواند اعتماد یا بی‌اعتمادی او را نسبت به محیط به وجود آورد که در دوره‌های بعدی زندگی ادامه پیدا می‌کند (مهرآرا، ۱۳۷۳). نوع نگاه اریکسون به دوره‌های مختلف زندگی خصوصاً دوره اولیه آن و ادامه یافتن آن در طول دوران زندگی بر نظریات اندیشمندان بعدی اثرگذار بوده است. آنتونی گیدنز با استفاده از این نظریات به بحث اعتماد و امنیت وجودی پرداخته است. در نظر گیدنز امنیت وجودی یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت به معنای وسیع آن است. او اصطلاح امنیت وجودی را به اطمینانی ارجاع می‌دهد که انسان‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و عادی کنش در اطراف خود دارند. اعتماد به دیگران همراه با شکل‌گیری نوعی احساس درونی قابلیت اعتماد رشد می‌یابد. این احساس، پایه خودشناسی در دوران بعدی زندگی را می‌سازد. بدین ترتیب، اعتماد از همان آغاز بر نوعی تجربه دوسویه دلالت می‌کند. کودک یاد می‌گیرد که به تداوم توجه تأمین‌کنندگان خود اتکا کند، ولی در ضمن این را نیز می‌آموزد که نیازهایش را به گونه‌ای برآورده سازد که تأمین‌کنندگان را خرسند کند. آن‌ها از او انتظار دارند قابلیت اعتماد را در رفتارشان نشان دهد. ایمان به عشق فرد مواظبت‌کننده در کودکی، جوهر اعتقاد به نوعی پایبندی است که اعتماد بنیادی و همه‌گونه‌های بعدی اعتماد، به آن نیاز دارند. اعتماد، امنیت وجودی و احساس تداوم چیزها و اشخاص، در بزرگسالی به هم وابسته باقی می‌مانند. از این تحلیل چنین برمی‌آید که اعتماد‌پذیری چیزهای غیرانسانی، مبتنی بر اعتقاد ابتدایی‌تر به اعتماد‌پذیری و دلسوزی افراد بشر است (گیدنز، ۱۳۸۰). بدین ترتیب اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی، پایه‌ای برای دیگر انواع اعتماد فراهم می‌سازد و اگر کسی فاقد این نوع اعتماد باشد، انتظار نمی‌رود که به دیگر افراد اعم از آشنایان (اعتماد بین شخصی)، غریبه‌ها (اعتماد اجتماعی) یا اقشار و سازمان‌ها (اعتماد نهادی) اعتماد کند.

۲.۱. اعتماد بین شخصی

اعتماد بین شخصی در روابط مستقیم و چهره به چهره بین اشخاص یافت می‌شود. هم‌زیستی مستقیم بین تعامل‌کنندگان از ویژگی‌هایی است که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد جدا می‌کند. اعتماد بین شخصی را می‌توان در تعامل و ارتباط میان همسایگان، دوستان، همکاران، مشتری/فروشنده، سرکارگر/کارگر، رئیس/کارمند، و دیگر موارد مشابه مشاهده کرد (غفاری، ۱۳۸۳). در اعتماد بین شخصی هر دو نوع اعتماد عمودی، یعنی اعتماد زبردست به بالادست و بالعکس، و اعتماد افقی، یعنی اعتماد به هم‌ردیفان وجود دارد. این نوع اعتماد با دیگر انواع اعتماد تفاوت چندانی ندارد، فقط موضوع آن عینی‌تر و سطح آن خردتر است.

به طوری که زتومکا بیان می‌کند، حضور هم‌زمان کنش‌گران در یک مکان، ویژگی‌های منحصر به فردی را پدید می‌آورد که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد متمایز می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۶).

۳.۱. اعتماد اجتماعی یا اعتماد به غریبه‌ها

اعتماد اجتماعی در زمینه‌ای فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد و در شبکه‌های موجود در سطح فرا فردی جریان می‌یابد. بدین طریق، اعتماد به اشخاص جای خود را به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی‌تر و گسترده‌تری می‌دهد که در سطحی وسیع‌تر از مرزهای خانوادگی، همسایگی، و طایفه‌ای قرار می‌گیرند. حوزه تعامل و ارتباط در اعتماد اجتماعی از سطح روابط و تعامل درون‌گروهی به تعامل بین‌گروهی ارتقا می‌یابد (غفاری، ۱۳۸۳). به طور خلاصه اعتماد اجتماعی، اعتماد به غریبه‌ها و کسانی است که آن‌ها را شخصاً نمی‌شناسیم.

اعتماد اجتماعی مهم‌ترین متغیر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی است و در طول زمان و به تدریج از طریق تعامل افراد با یکدیگر به وجود می‌آید و پس از به وجود آمدن، به خیر عامه تبدیل می‌شود. این نوع اعتماد در سطحی وسیع‌تر از اعتماد بین شخصی، از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجارهای روابط متقابل ناشی می‌شود. هنجارهای مؤثر بر ارتباط‌های متقابل، در شبکه‌های درهم‌تنیده و متراکم مبادلات اجتماعی به وجود می‌آیند، به‌ویژه آن دسته از روابط اجتماعی که به صورت افقی در پهنه گروهبندی‌های گوناگون اجتماعی سازمان یافته است. اعتماد اجتماعی سطوح بالاتری از پذیرش کارهای داوطلبانه را ترویج می‌کند و هزینه مبادلات را کاهش می‌دهد و بدین طریق همکاری را روان می‌سازد (الوانی، ۱۳۸۰).

۴.۱. اعتماد نهادی

اعتماد نهادی، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها است. نهادها و سازمان‌هایی نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی و مانند آن. میزان اعتمادی که مردم به نهادها و سازمان‌ها دارند، در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییر می‌شود. هم‌چنین نوعی از اعتماد به نهادها وجود دارد که اعتماد رویه‌ای نامیده می‌شود. اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه‌ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم‌سالارانه (انتخابات، نمایندگی، اکثریت آرا و...) به عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ‌ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل‌ترین توافقات در میان منافع متعارض، یا اعتماد به درستی فرآیندهای قانونی به عنوان بهترین ابزار نیل به داوری موجه و عادلانه. البته بی‌اعتمادی نیز ممکن است معطوف به چنین رویه‌هایی شود. مانند واگذاری امتیازات دولتی به مؤسسات صنعتی که متضمن بی‌اعتمادی است، زیرا بروز فساد مالی را تسهیل می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۳).

متفکران مختلفی مقوله اعتماد و رابطه انواع مختلف آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در ادامه به بررسی نظرات این متفکران پرداخته می‌شود.

گیدنز: گیدنز اعتماد را به دو گونه تقسیم می‌کند: او اولین نوع را اعتماد میان افراد می‌داند. نوع دوم اعتماد که او از آن یاد می‌کند، اعتماد به نهادها (نظام‌های انتزاعی) است. در اعتماد نهادی نیازی به روبه‌رویی با مسئولان نظام‌ها وجود ندارد. اما او این را در نظر می‌گیرد که در خیلی از موارد کنش‌گران غیرمتخصص با مسئولان نظام‌ها روبه‌رو می‌شوند. او این رویارویی‌ها

(ارتباط و برخورد مردم با فعالان در نظام) را نقاط دسترسی می‌نامد. نقاط دسترسی نظام‌های انتزاعی زمینه برخورد کنشگران نام و نشان دار و بی نام و نشان را فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، کنشگران غیرمتخصص در نقاط دسترسی با متخصصان آن نهاد روبه‌رو می‌شوند.

گیدنز اساس نظریه‌اش را درخصوص ماهیت نهادهای مدرن، به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی مرتبط می‌داند و معتقد است، در «شرایط نوسازی، آینده همیشه باز است» و بازبودن آینده را به بازاندیشی دانش و ارتباط آن با عملکردهای اجتماعی سازمان‌دهنده وابسته می‌داند. او معتقد است خصلت آینده‌گرایانه نوسازی بیشتر از طریق اعتماد به نظام‌های انتزاعی شکل می‌گیرد. یعنی کنشگران غیرمتخصص به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌ورزند. گیدنز رویکردهای اعتماد یا بی‌اعتمادی به نظام‌های خاص را تحت تأثیر شدید تجربه‌های افراد از نقاط دسترسی و همین‌طور دانش‌هایی می‌داند که از طریق رسانه‌های ارتباطی و دیگر منابع در دسترس افراد قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۰). یکی دیگر از نظریه‌پردازانی که به موضوع اعتماد نهادی پرداخته، زتومکا است.

زتومکا^۴: زتومکا برخلاف گیدنز معتقد است، اعتماد تنها در میان انسان‌ها می‌تواند وجود داشته باشد و این امکان در بین پدیده‌های طبیعی وجود ندارد و اگر اعتماد را به آن موضوعات نیز تعمیم بدهیم، درحقیقت به آفریده‌های انسانی اعتماد کرده‌ایم و به صورت غیرمستقیم به طراحان، سازندگان و افرادی که در این زمینه‌ها مهارت دارند، اعتماد نموده‌ایم. در نظر او، اعتماد به نهادها و سازمان‌ها از انتزاعی‌ترین اعتمادها است. اعتماد به نهادها و سازمان‌هایی مانند مدرسه، دانشگاه، ارتش، کلیسا، اداره پلیس، دادگاه‌ها، بانک‌ها و موارد دیگری از این قبیل که دارای ساختاری ویژه هستند و در آن‌ها کنش و واکنش صورت می‌گیرد. او میزان اعتماد به نهادها را در جوامع گوناگون و در یک جامعه در طول زمان متفاوت می‌داند. سپس، بین امنیت وجودی و نظام اجتماعی رابطه برقرار می‌کند. او معتقد است هنگامی که از امنیت وجودی سخن می‌گوییم، اعتماد به نظام را در ذهن داریم که نشان‌دهنده قابلیت اجرایی نظام اجتماعی، قدرت و دوام جامعه، کارآمدی رژیم اقتصادی یا سیاسی و نظایر آن است. در این مورد، ما نسبت به یک نظام کلی، از خود اعتماد نشان می‌دهیم. به نظر زتومکا این نوع اعتماد، یعنی اعتماد به نظامی کلی، به مفهوم مشروعیت نزدیک است. او سپس براساس نظرات وبر، از مشروعیت کارزماتیک و مشروعیت قانونی یاد می‌کند و معتقد است مشروعیت کارزماتیک مستلزم اعتماد شخصی است، ولی مشروعیت قانونی مستلزم اعتماد نهادی می‌باشد (زتومکا، ۱۳۸۶). افه از دیگر نظریه‌پردازانی است که موضوع اعتماد نهادی و ارتباط آن را با اعتماد اجتماعی به تفصیل بررسی کرده است.

افه: افه اعتماد را متضاد اطمینان می‌داند و از این تمایزگذاری برای رد کردن اندیشه اعتماد نهادی استفاده می‌کند. او معتقد است ما به ماندگاری و اعتبار نهادها "اطمینان"^۵ داریم، ولی اعتماد^۶، فقط درباره کنشگران و نحوه عمل و ایفای نقش آن‌ها در نهادها مصداق دارد. او اعتماد به نهادها را عمیقاً اشتباه، ساده‌انگارانه و شیء‌پرستانه می‌داند و این دلایل را برای نظر خود ذکر می‌کند:

نهادها، ناقص، مبهم و بحث‌انگیزند. زیرا اولاً، قوانین نهادی هرگز فراگیر نیستند، قراردادها و رقابت بازار، هر دو ناقص‌اند؛ به‌ویژه که فرصت‌های بسیاری برای تقلب (قانون‌شکنی) و وارونه‌سازی (جایگزین کردن قوانین جدید و قدیم) وجود دارد، قوانین جاودانی نیستند و به دست انسان نوشته شده‌اند. دوم این که نهادها الگوهای متزلزل همکاری هستند و امکان اختلاف نظر بر سر آن‌ها وجود دارد. به طوری که همه نهادها در معرض جایگزینی با نهادهایی جدیدتر هستند.

او از این مباحث نتیجه می‌گیرد که اعتماد به نهادها تنها با اعتماد به اطاعت داوطلبانه کنشگرانی که قوانین نهاد درباره آن‌ها مصداق دارد و اعتماد به کنشگرانی که نظارت و اجرای آن قوانین را به عهده دارند، توجیه‌پذیر است و چون خطر نقض این قوانین وجود دارد، اعتماد به افراد نیز ضروری است. بدین ترتیب، او اعتماد به نهادها را به اعتماد به شاغلان در نهادها تقلیل می‌دهد. به نظر او، نهادها اگرچه ممکن است مستحکم و به علت قدمت خود محترم به نظر برسند، اعتبار خود را مدیون

⁴. Sztompka

⁵. Confidence

⁶. Trust

گرایش‌های موافق و درک کسانی هستند که در آن‌ها شرکت دارند. علاوه بر این، برخی نهادها فهمیدنی‌تر هستند و راحت‌تر از حمایت برخوردار می‌شوند. این کیفیت نهادها و معنادار بودن آن‌هاست که تعیین می‌کند آن‌ها تا چه حد می‌توانند وفاداری و اعتماد کسانی را برانگیزند که قرار است به دست این نهادها کنترل شوند (کارکنان نهادی) و اعتماد کارگزاران را به این‌که دیگران نیز در این پایبندی شریک‌اند. این جاست که کیفیت نهادها اهمیت می‌یابد. نهادها اگر به خوبی طراحی شوند، می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد اجتماعی باشند. یعنی اعتماد به افرادی که هرگز با آن‌ها تماس نداشته‌ایم و هیچ پیوند اجتماعی مشترکی با آن‌ها نداریم. نهادها چون نقاط مرجع و ارزش‌های هنجارآفرینی را فراهم می‌کنند که می‌توان برای توجیه و معنادار کردن مجموعه قوانین آن نهاد به آن‌ها تکیه کرد، به ما اجازه می‌دهند به دست‌اندرکاران آن‌ها اعتماد کنیم. همه نهادها از کارکرد پل‌زدن میان غریبه‌ها و ایجاد اعتماد اجتماعی برخوردار نیستند، بلکه فقط نهادهایی که برای دیگران به اندازه کافی معنادار، معقول و قانع‌کننده هستند، می‌توانند گرایش‌ها و پایبندی‌های هم‌گرا ایجاد کنند. اگر معانی نهادها غیرشفاف باشد، یا ادعاهای هنجارآفرین آن‌ها با نتایجی که دیده شده است، هم‌خوانی نداشته باشند یا تردیدانگیز و غیرقابل شناسایی باشند، اعتماد غریبه‌ها را جلب نخواهند کرد.

معنادار بودن نهادها به معنای شناختن و معتبر دانستن ارزش‌ها و شکل زندگی موجود در یک نهاد، و استنتاج این فرض است که این اندیشه برای تعدادی کافی از مردم آن‌قدر معنادار هست که آن‌ها را به حمایت مستمر از آن نهاد و رعایت قوانین آن وادار کند. آگاهی از معانی و توجیه‌هایی که نهادها ایجاد می‌کنند به «من»، یعنی ناظر شرکت‌کننده، امکان می‌دهد که تعیین کنم تا چه حد می‌توانم به افرادی اعتماد کنم که با وجود ناآشنایی، در یک رژیم نهادی زندگی می‌کنند.

افه کارکرد سازنده نهادها را توانایی آن‌ها برای شکل‌بخشیدن به گرایش‌ها و آگاهی‌دادن از گرایش‌های رفتاری می‌داند. در نظر او، کارکرد سازنده یک نهاد در صورتی تحقق می‌یابد که مردمی که در این نهادها یا تحت کنترل آن‌ها زندگی می‌کنند، با اندیشه‌های هنجارآفرینی که در آن‌ها تجسم یافته است، از نظر شناختی آشنا شوند و از آن‌ها اشباع گردند.

نهادها براساس نظر افه، با دارا بودن دو کارکرد اعتماد تولید می‌کنند. کارکرد اول آن‌ها، تولید اعتماد از طریق روشی است که به آن عمل می‌کنند. کارکرد دوم، راه‌کار کاستن از خطرانی است که فرد اعتمادکننده را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر، نهادها باعث تسهیل اعتماددورزی از طریق کاهش دغدغه‌هایی می‌شوند که از اعتماد، حتی به غریبه‌ها، ناشی می‌شود. در راستای کارکرد دوم، نهادهایی مثل شرکت‌های بیمه، نظام‌های تأمین اجتماعی و دادگاه‌ها می‌توانند در صورت صدمه‌دیدن فرد از اعتماد به دیگران، آن را جبران کنند، یا حداقل میزان صدمه را کاهش دهند. هرچه حقوق اجتماعی فردی مستحکم‌تر باشد، ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد آسان‌تر خواهد بود.

در کل، نهادها به دو صورت اعتماد را در میان غریبه‌ها ایجاد می‌کنند. نخست، به دلیل «اعتبار اخلاقی» و تأثیر سازنده آن‌ها بر دیگران، آن‌ها را به اطاعت ترغیب می‌کنند. دوم به دلیل حقوق اجتماعی حمایتی که فراهم می‌سازند می‌توانند خطرات ناشی از اعتماد به غریبه‌ها را محدود کنند. بدین ترتیب در نظر افه نهادها در تبدیل و گسترش اعتماد بین شخصی به اعتماد اجتماعی دخیل‌اند؛ چون نمایان‌کننده ارزش‌های ویژه‌ای هستند و عملکرد آن‌ها به گونه‌ای است که دلیل و انگیزه وفاداری و اطاعت از این ارزش‌ها را فراهم می‌آورند. اگر کارگزاری که در یک نهاد و برای آن نهاد فعالیت می‌کنند، همه یا برخی از این ارزش‌ها را نادیده بگیرند، این ارزش‌ها در عملکرد آن‌ها تجسم نیابد، یا از ضمانت اجرایی مناسب برخوردار نباشد، توانایی آن نهاد، به عنوان واسطه ایجاد اعتماد، به شدت تضعیف خواهد شد.

هر نشانه‌ای که دال بر مجازشمردن دروغ‌گویی از جانب نهادها، ناتوانی در مجبورکردن کنش‌گران به محترم‌شمردن قراردادهای و وعده‌های خود، تبعیض قایل‌شدن و امتیازهای ناعادلانه بخشیدن، و ناتوانی در جبران دست‌کم برخی از نابرابری‌های عمده اجتماعی باشد، به دلیلی مشروع برای بی‌اعتمادی و در نهایت بدبینی به نظام تبدیل می‌شود.

دلیل این که برخی به هیچ‌کس اعتماد نمی‌کنند، این نیست که دیده‌اند که همه شایسته اعتماد نیستند، بلکه بدین دلیل است که ناتوانی نهادها را در اجرای نقش سازنده و نظارتی‌شان بر مبنای یک یا همه معیارهای فوق مشاهده کرده‌اند. توانایی تعمیم نهادها تأثیری دوسویه دارد. اگر استنباط این باشد که رژیم‌های نهادی بر طبق چهار معیار: پایبندکردن اعضای خود به فضیلت حقیقت‌گویی، وفای به عهد، عملکرد منصفانه و سعی در کاهش تبعیض‌ها، معمولاً خوب عمل می‌کنند، روابط اعتماد افقی و عمودی می‌تواند شکوفا شود. در نتیجه، شهروندان همدیگر را به عنوان عناصر

تشکیل دهنده یک جمهوری سیاسی می‌شناسند و به یکدیگر اعتماد خواهند کرد. برعکس، مشاهده نهادهای ناکارآمد می‌تواند انسجام جوامع سیاسی مدرن را تضعیف کند. نظریات افه درباره اعتماد نهادی، اعتماد به یک نهاد خاص را به مجموعه یک کشور پیوند می‌دهد و آن را در پیوند با انسجام اجتماعی و مشروعیت قرار می‌دهد. براساس نظر او، هنجارهایی که در یک کشور در مورد نظام سیاسی، اقتصادی و... وجود دارد و توانایی آن جامعه در عمل براساس آن هنجارها، باعث می‌شود میزان اعتماد اجتماعی در آن جامعه کم یا زیاد باشد. بدین ترتیب، براساس نظر او درباره گسترش اعتماد اجتماعی، نهاد اولاً باید معنادار باشد، سپس به شیوه‌ای متناسب با هدفش رفتار کند و باعث بروز رفتارهایی نهادینه‌شده^۷ (رفتارهایی مطابق هنجارها که قابل پیش‌بینی هستند) شود (افه، ۱۳۸۴).

به طور خلاصه، اعتماد اجتماعی از انتزاعی‌ترین انواع اعتماد است و برای شکل‌گیری و گسترش آن لازم است ابتدا کنش‌گران براساس تجربیات دوران کودکی خود دارای میزانی از اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی باشند، سپس به والدین و پس از آن به دیگر نزدیکان خود اعتماد بورزند (اعتماد به خانواده)، آن‌گاه احتمالاً اعتماد به دوستان و همان‌طور اقوام و خویشان شکل می‌گیرد. تاکنون توانایی اعتماد کردن، براساس آشنایی (اعتماد بین شخصی) بود. پس از آن لازم است اعتماد بین شخصی به اعتماد اجتماعی تبدیل شود. براساس نظر زتومکا، تفاوت محسوس و اساسی بین اعتماد بین شخصی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد. در واقع او با توجه به نظرات فوکویاما اعتماد را همانند دایره‌های متحدالمرکز در نظر می‌گیرد و تفاوت اعتماد بین شخصی و اعتماد اجتماعی را به شعاع اعتماد نسبت می‌دهد. براساس نظر او در مورد اعتماد، کمترین شعاع اعتماد، متعلق به اعضای خانواده است که آکنده از بیشترین صمیمیت و نزدیکی است. حلقه گسترده‌تر از آن، افرادی را در بر می‌گیرد که شناخت مردم از آن‌ها به صورت غیرمستقیم یا مستقیم، به دلیل برخی نمادهای فردی است (اهالی شهرمان، کارمندان اداره‌مان، استادان دانشگاه‌مان و...). گسترده‌ترین حلقه شامل طبقه بزرگی از افراد است که در برخی چیزها با آن‌ها وجه مشترک وجود دارد. اکثر این افراد، دیگران غایب هستند که ارتباط مستقیمی با آن‌ها وجود ندارد. تنها به عنوان یک جمع واقعی در ذهن حضور دارند، مانند هم‌وطنان، اعضای گروه قومی، مذهبی، نژادی، جنسی، گروه سنی و گروه‌های صنفی (زتومکا، ۱۳۸۶). از این رو اعتماد به اشخاص معین به تدریج به اعتماد اجتماعی تبدیل می‌شود. براساس نظرات افه، در تبدیل اعتماد بین شخصی به اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی نقش مهمی ایفا می‌کند. مقاله حاضر به دنبال بررسی تجربی رابطه بین انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در محیط دانشگاهی ایران است. در این بررسی، شناخت میزان تأثیر اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه ۱) انواع اعتماد با یکدیگر رابطه مثبت دارند.
- فرضیه ۲) اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت دارد.
- فرضیه ۳) اعتماد به خانواده بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۴) اعتماد به دوستان بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۵) اعتماد به اقوام و خویشان بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۶) اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

برای بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در دانشگاه مازندران، از روش پیمایشی استفاده شده است. بدین منظور با استفاده از ادبیات موجود، ابتدا پرسش‌نامه مناسب تدوین شده و سپس تحقیق میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات انجام شد.

ابزار پژوهش: اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه‌ای به دست آمد که پس از طی مراحل مطالعه مقدماتی و پیش‌آزمون تنظیم شد و با مراجعه حضوری تکمیل گردید. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات به دست آمده

⁷. Institutionalization

با استفاده از بسته نرم‌افزاری اس. پی. اس. تجزیه و تحلیل شد.

جمعیت و نمونه: جمعیت این پژوهش را دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ تشکیل دادند. تعداد دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد این دانشگاه در سال مورد نظر ۹۵۲۴ نفر بود. برای نمونه‌گیری از فرمول ایتیمیم نیمن استفاده شد. فرمول ایتیمیم نیمن از اطلاعات پرسش‌نامه مقدماتی استفاده می‌کند و به «میزان تغییر در جمعیت برحسب خصوصیات اصلی جمعیت مورد مطالعه و درجه دقت مورد نظر برای نمونه» توجه دارد (دواس، ۱۳۸۵: ۷۸). بر این اساس و با استفاده از فرمول زیر، نمونه‌ای به حجم ۴۵۰ به دست آمد، اما جهت اطمینان بیشتر ۵۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد و از آن میان ۴۵۷ پرسش‌نامه قابل قبول جمع‌آوری گردید.

$$n = \frac{(\sum_{h=1}^l W_h S_h)^2}{v + \frac{1}{N} \sum_{h=1}^l W_h S_h^2}$$

که در آن: h : اندیس طبقه، l : تعداد طبقه، N_h : تعداد اعضای هر طبقه،

S_h^2 : واریانس صفت مورد بررسی در طبقه h ام،

$W_h = \frac{N_h}{N}$ ، $v = (ay)$ ، $a = (0.007)$: ضریب تغییرات مورد نظر برای صفت مورد بررسی است.

پس از نمونه‌گیری، برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش طبقه‌ای چندمرحله‌ای متناسب استفاده شد. یعنی در ابتدا آمار دانشجویان براساس جنسیت، رشته و سال ورود گردآوری شد. سپس سهم هر کدام از آن‌ها به طور متناسب تعیین شد. در پایان پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی ساده بین هر کدام از گروه‌های دانشجویی توزیع شد.

تعاریف عملیاتی: اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی: با گویه‌های به آینده خود فکر می‌کنم و تا حدودی می‌دانم

در آینده چه کارهایی انجام خواهم داد؛ تا حدودی می‌دانم کسانی که با آن‌ها سروکار دارم چگونه رفتار خواهند کرد؛ با محیط اجتماعی / فیزیکی اطرافم آشنا هستم؛ و معتقدم می‌توانم برای زندگی برنامه داشت، سنجیده شد.

اعتماد بین شخصی: با گویه‌هایی که نگرش پاسخ‌گو را به پایبندی به قول و قرار، امانت‌داری، یکی‌بودن ظاهر و

باطن و اعتماد به خانواده، اقوام و خویشان و دوستان می‌سنجید، اندازه‌گیری شد. گفتنی است مقوله‌های خانواده، اقوام و خویشان و دوستان با یکدیگر ترکیب نشدند. زیرا هر چند ادبیات نظری هر سه آن‌ها را از یک مقوله می‌داند، پس از بررسی داده‌های به دست آمده مشاهده شد که در ایران میان سه مؤلفه اعتماد بین شخصی، یعنی اعتماد به خانواده، اعتماد به خویشان و اعتماد به دوستان تفاوت بسیاری وجود دارد و نمی‌توان آن‌ها را در مقوله‌ای با عنوان اعتماد بین شخصی قرار داد. چنان‌که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، میزان ضریب همبستگی پیروان اعتماد به خانواده با اعتماد به دوستان ۰/۱۱ و با اعتماد به خویشان نزدیک ۰/۲۹ و معنادار بود. هم‌چنین میزان همبستگی بین اعتماد به دوستان و اعتماد به اقوام نزدیک ۰/۳۴ و معنادار بود. اما چنان‌که مشاهده می‌شود، همبستگی چندان بالایی با یکدیگر ندارند. به علاوه در شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص جامعه ایران، منطقی نیز به نظر نمی‌رسد که اعتماد به خانواده و اعتماد به دوستان و حتی اعتماد به خویشان از یک جنس دانسته شود، هر چند هر سه اعتماد به افراد براساس آشنایی است.

اعتماد نهادی: در سنجش اعتماد نهادی از گویه‌های اعتماد به اقشار و اعتماد به سازمان‌ها استفاده شد. اقشار و

سازمان‌های مورد بررسی عبارت بودند از: قاضیان، پزشکان، پلیس راهنمایی و رانندگی، کارمندان دولت، معلمان، خبرنگاران، استادان دانشگاه، روحانیان، نمایندگان مجلس، سیاستمداران، نمایندگان شورای شهر / روستا، و سازمان‌های آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها، دانشگاه، ادارات دولتی، رادیو و تلویزیون داخلی، رادیو و تلویزیون خارجی، پاسگاه، روزنامه‌ها، و اداره راهنمایی رانندگی.

اعتماد اجتماعی: در عملیاتی کردن مفهوم اعتماد اجتماعی، از گویه‌هایی استفاده شد که نگرش پاسخ‌گو را به

اعتماد به همکاری عمومی، اعتماد به مردم، احتیاط در برخورد با مردم، و گویه‌هایی در مورد درست‌کاری، امانت‌داری، راست‌گویی دیگر مردم و... می‌سنجید. در کل، برای سنجش این مقیاس از دوازده گویه استفاده شد. در جدول زیر درصدهای پاسخ به هر گویه آورده شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گوها بر حسب گویه‌های اعتماد اجتماعی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین از ۵ نمره
اعتماد به صرفه‌جویی عمومی در زمان کمبود	۱۴/۹	۲۵/۹	۲۰/۰	۲۸/۱	۱۱/۰	۳/۰۶
درستکاری عمومی	۲/۰	۱۷/۸	۲۸/۱	۳۷/۷	۱۴/۵	۲/۵
پایبندی به قول و قرار عمومی	۰/۹	۱۴/۶	۳۰/۴	۴۱/۹	۱۲/۲	۲/۵
برطرف شدن مشکل با صرفه‌جویی عمومی	۱۱/۳	۳۶/۴	۲۵/۳	۲۲/۰	۵/۱	۳/۲۷
رک و پوست کنده صحبت کردن	۲/۰	۱۱/۶	۱۸/۹	۴۲/۴	۲۵/۱	۲/۲
راست‌گویی عمومی	۱/۱	۴/۵	۱۰/۷	۴۸/۸	۳۴/۷	۱/۹
خودخواهی	۲/۰	۱۲/۰	۱۵/۷	۳۹/۵	۳۰/۶	۲/۱۶
امانت‌داری عمومی	۰/۹	۱۶/۵	۳۸/۵	۳۵/۸	۸/۱	۲/۶۷
یکی بودن ظاهر و باطن	۰/۲	۳/۴	۲۰/۴	۴۸/۵	۲۷/۳	۲/۰
حفظ وسایل امانت گرفته شده	۱/۶	۲۴/۳	۳۸/۳	۲۹/۰	۶/۷	۲/۸۶
اعتماد عمومی	۰/۷	۱۴/۱	۲۶/۹	۴۲/۲	۱۶/۱	۲/۴
احتیاط در برخورد با مردم	۰/۹	۲/۶	۳/۷	۳۵/۸	۵۶/۹	۱/۵

اعتبار و پایایی تحقیق: میزان اعتبار ابزار اندازه‌گیری از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول ۲ میزان آلفای گویه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج تحلیل پایایی مقیاس‌ها

ردیف	متغیر	تعداد پاسخ‌گویان	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
۱	اعتماد بنیادین	۴۴۱	۴	۰/۵۸
۲	اعتماد به خانواده	۴۵۴	۴	۰/۷۵
۳	اعتماد به دوستان	۴۵۷	۴	۰/۸۴
۴	اعتماد به اقوام و خویشان	۴۵۷	۴	۰/۸۶
۵	اعتماد نهادی	۴۰۱	۲۲	۰/۹۲
۶	اعتماد اجتماعی	۴۱۰	۱۲	۰/۸۴

یافته‌ها

سیمای جامعه آماری: این تحقیق بر اساس اطلاعات ۴۵۷ نفر پاسخ‌گو از دانشجویان دانشگاه مازندران شامل ۲۸۷ نفر زن (۶۳ درصد) و ۱۷۰ نفر مرد (۳۷ درصد) انجام شد که از آن‌ها ۴۱۷ نفر (۹۲ درصد) مجرد و ۳۴ نفر (۸ درصد) متأهل بودند. دامنه تغییرات سن در جامعه آماری بین ۱۹ تا ۳۹ بوده است. بیشترین توزیع سنی از ۲۰ تا ۲۳ سال بود که ۷۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌داد.

توصیف متغیرها: انواع مختلف اعتماد با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شدند. دامنه نمره‌دهی به گویه‌ها، از نمره ۵ برای مقوله خیلی زیاد تا نمره ۱ برای مقوله خیلی کم در نوسان بود. در فرآیند همسان‌سازی، این مقیاس‌ها به مقیاسی ۲۰

جدول ۳. آماره‌های گرایش به مرکز و پراکندگی برای متغیرهای تحقیق

مقیاس	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	درصد
اعتماد بنیادین	۱۵/۶۶	۱۶/۲۵	۱۶/۲۵	۲/۵۶	۷۸/۳
اعتماد به خانواده	۱۸/۵	۱۸/۷۵	۲۰	۲/۰۶	۹۲/۵
اعتماد به دوستان	۱۰/۶۰	۱۰/۶۲	۱۰	۳/۹۹	۵۳
اعتماد به اقوام و خویشان	۱۰/۱۱	۱۰	۱۰	۳/۹۷	۵۰/۵۵
اعتماد نهادی	۹/۱۹	۹/۰۹	۱۰	۳/۱۲	۴۵/۹۵
اعتماد اجتماعی	۷/۰۲	۷/۰۸	۷/۹۲	۲/۹	۳۵/۱

چنان که یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهند، میزان اعتماد به خانواده (با ۹۲/۵ درصد) و اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی (با ۷۸ درصد) پاسخ‌گویان زیاد است. پس از آن به ترتیب نزولی اعتماد به دوستان، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی قرار می‌گیرند. میزان اعتماد به دوستان و اعتماد به اقوام و خویشان بیش از ۵۰ درصد و میزان اعتماد نهادی کمتر از ۵۰ درصد است. در این میان، کمترین میزان اعتماد متعلق به اعتماد اجتماعی با ۳۵ درصد می‌باشد. کم بودن میزان اعتماد اجتماعی در مقایسه با تحقیقاتی که در دیگر جوامع صورت گرفته است بهتر روشن می‌شود. به عنوان مثال، میزان اعتماد اجتماعی در نزد پاسخ‌گویان پیمایشی در نروژ در حدود ۷۶ درصد بود (وولیک و سله، ۲۰۰۲). هرچند مقایسه یافته‌ها به این صورت چندان صحیح نیست، با وجود این، چنان که این مقایسه نشان می‌دهد، میزان اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان این مطالعه خیلی کمتر از پاسخ‌گویان مطالعه صورت گرفته در نروژ است.

براساس نظر فوکویاما (۲۰۰۱)، این یافته‌ها نشان می‌دهند شعاع اعتماد پاسخ‌گویان چندان از اعتماد به خانواده خود فراتر نرفته است. مسئله‌ای که در این جا جلب توجه می‌کند انتقال ناکافی اعتماد بین شخصی، خصوصاً اعتماد به خانواده، به اعتماد اجتماعی است. اهمیت انتقال اعتماد بین شخصی به اعتماد اجتماعی با نظریات فوکویاما بهتر روشن می‌شود. همان‌طور که فوکویاما در مورد نقش مذهب پیوریتن‌ها در گسترش سرمایه‌داری از وبر نقل می‌کند، اهمیت این مذهب نه به دلیل سفارش آن به صداقت و درستی با گروه خود (اعتماد بین شخصی) است، بلکه به این دلیل است که این مذهب سفارش می‌کند با همه (اعتماد اجتماعی) به درستی رفتار کنید^۸ (فوکویاما، ۱۳۸۵). اگر چنان که مذهب پیوریتن‌ها در خصوص صداقت و درستی با همه اعتقاد داشتند، درستی و صداقت با همه و نه فقط با گروه خودی صورت بگیرد، اعتماد اجتماعی شکل گرفته است و می‌تواند سودمندی‌های بسیاری برای جامعه داشته باشد.

^۸ آن‌چه اصلاحات مذهبی را در نظر وبر مهم جلوه داد، این نبود که مردم را به صداقت، هم‌پاری و صرفه‌جویی تشویق می‌کرد، بلکه این بود که برای اولین بار این خصایص به طور گسترده بیرون از خانواده به کار برده می‌شد (فوکویاما، ۱۳۸۵).

آزمون فرضیه‌ها و بررسی رابطه بین متغیرها: آمارهای دو متغیره

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون رابطه ابعاد اعتماد با یکدیگر

متغیرها	اعتماد بنیادین	اعتماد به خانواده	اعتماد به دوستان	اعتماد به اقوام و خویشان	اعتماد نهادی
اعتماد به خانواده	۰/۱۹۰**				
اعتماد به دوستان	** ۰/۱۵۱	۰/۱۱۱*			
اعتماد به اقوام و خویشان	۰/۱۴۸**	۰/۲۸۶**	** ۳۳۸ ۰/		
اعتماد نهادی	۰/۲۷۸**	۰/۲۳۲	** ۲۱۸ ۰/	** ۳۵۰ ۰	
اعتماد اجتماعی	۰/۱۹۷**	۰/۰۸۸	۰/۲۹۳**	** ۳۶۴ ۰	۰/۵۲۶**

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

جدول ۴ نتایج آزمون این فرض را نشان می‌دهد که انواع اعتماد با یکدیگر رابطه مثبت دارند. چنان‌که مشاهده می‌شود، ابعاد اعتماد (به‌جز اعتماد به خانواده) با یکدیگر در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ رابطه مثبت و معناداری دارند. در این میان، تنها متغیر اعتماد به خانواده با دیگر ابعاد اعتماد رابطه متفاوت دارد. متغیر اعتماد به خانواده با اعتماد به اقوام و خویشان و اعتماد نهادی در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه مثبت و معنادار و با اعتماد به دوستان در سطح کمتر از ۰/۰۵ رابطه مثبت و معنادار دارد، ولی با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری ندارد.

بررسی همبستگی بین ابعاد مختلف اعتماد گویای این مطلب است که متغیر اعتماد نهادی بیشترین همبستگی مثبت را با اعتماد اجتماعی دارد. پس از این متغیر، به ترتیب اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد به دوستان و اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی بیشترین همبستگی مثبت را با متغیر اعتماد اجتماعی داشته‌اند. بدین ترتیب، فرضیه اول به‌جز در مورد اعتماد به خانواده تأیید می‌شود.

آمارهای چند متغیره

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری مربوط به تأثیر انواع اعتماد بر متغیر اعتماد اجتماعی

متغیرها	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴	
	بی	بتا	بی	بتا	بی	بتا	بی	بتا
مقدار ثابت	۲/۶۱	-	۱/۹۰	-	۴/۴۶	-	۳/۹۵	-
اعتماد نهادی	۰/۴۷	۰/۵۲	۰/۴۲	۰/۴۶	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۴۲	۰/۴۶
اعتماد به اقوام و خویشان	-	-	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۱۹	۰/۱۱	۰/۱۶
اعتماد به خانواده	-	-	-	-	-۰/۱۶	-۰/۱۱	-۰/۱۵	-۰/۱۱
اعتماد به دوستان	-	-	-	-	-	-	۰/۰۷	۱/۱۰
آر	۰/۵۱۸	۰/۵۴۰	۰/۵۵۱	۰/۵۵۹				
مجذور آر	۰/۲۶۸	۰/۲۹۲	۰/۳۰۳	۰/۳۱۳				
ضریب تعیین تصحیح شده	۰/۲۶۶	۰/۲۸۸	۰/۲۹۷	۰/۳۰۵				
ضریب	۱۲۷/۳۲۵	۷۱/۳۰۳	۵۰/۰۳۵	۳۹/۱۲۵				

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام را نشان می‌دهد. با توجه به ضریب اف، از مجموع پنج متغیر وارد شده به مدل، چهار متغیر، شامل اعتماد نهادی، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد به خانواده و اعتماد به دوستان معنادار بودند. تنها متغیر اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی وارد شده در این مدل، غیرمعنادار بود. ضریب همبستگی چندگانه (۰/۵۵۹) نشان می‌دهد همبستگی بالایی بین متغیرهای موجود در مدل وجود دارد. ضریب تعیین تصحیح شده نشان می‌دهد بیش از ۳۰ درصد تغییرات میزان اعتماد اجتماعی توسط چهار متغیر وارد شده در مدل چهارم تبیین می‌شود. با توجه به بتاهای به دست آمده، رابطه متغیرهای مستقل با وابسته به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از ۱. اعتماد نهادی ۲. اعتماد به اقوام و خویشان ۳. اعتماد به خانواده ۴. اعتماد به دوستان. از میان متغیرهای موجود در این مدل، متغیر اعتماد به خانواده تنها متغیری است که تأثیر منفی بر اعتماد اجتماعی دارد. متغیر اعتماد نهادی بیشترین تأثیر مثبت را بر متغیر اعتماد اجتماعی دارد. به طوری که سهم آن در تبیین متغیر وابسته به تنهایی در حدود ۲۷ درصد است.

بر اساس یافته‌ها، نتایج تحلیل رگرسیونی آزمون فرضیه‌های ۲ تا ۶ به شرح زیر است:

فرضیه ۲: اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت دارد: تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۳: اعتماد به خانواده بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد: به دلیل تأثیر منفی اعتماد به خانواده بر اعتماد اجتماعی، تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۴: اعتماد به دوستان بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد: تأیید می‌شود.

فرضیه ۵: اعتماد به اقوام و خویشان بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد: تأیید می‌شود.

فرضیه ۶: اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد: تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به ماتریس همبستگی محاسبه شده بین ابعاد اعتماد، چهار متغیر اعتماد نهادی، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد به دوستان و اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی، در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ رابطه معنی‌دار و مثبتی با اعتماد اجتماعی داشته‌اند. اما در تحلیل رگرسیونی به ترتیب متغیرهای اعتماد نهادی، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد به خانواده و اعتماد به دوستان بر متغیر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. چنان‌که مشاهده می‌شود، در تحلیل رگرسیونی، اعتماد بنیادین یا امنیت وجودی اهمیت خود را از دست می‌دهد و متغیر اعتماد به خانواده با قدرت تأثیرگذاری منفی وارد مدل می‌شود. در ضمن متغیر اعتماد به خانواده تنها متغیری است که بر متغیر وابسته تأثیر منفی دارد. چنان‌که مشاهده می‌شود، مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی، متغیر اعتماد نهادی است. این یافته‌ها با نظر افه (۱۳۸۴) و نظر فوکویاما (۱۳۸۵: ۱۴) در مورد توانایی نهادها برای گسترش اعتماد اجتماعی هم‌سو است.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، میزان اعتماد نهادی پاسخ‌گویان نزدیک به ۴۶ درصد و کمتر از نصف است. احتمالاً میزان بالای همبستگی اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی و همین‌طور قابلیت تأثیرگذاری زیاد اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی، تبیین‌کننده میزان کم اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان است. به عبارت دیگر، چون اعتماد نهادی پاسخ‌گویان چندان زیاد نبوده است، اعتماد نهادی در انتقال و گسترش اعتماد اجتماعی چندان موفق عمل نکرده است. چنان‌که در بخش نظری بیان شد، براساس نظر افه، دلیل این که برخی به هیچ‌کس اعتماد نمی‌کنند این نیست که دیده‌اند که همه شایسته اعتماد نیستند، بلکه بدین دلیل است که ناتوانی نهادها را در اجرای نقش سازنده و نظارتی خود مشاهده کرده‌اند. توانایی تعمیم نهادها تأثیری دوسویه دارد. اگر استنباط این باشد که رژیم‌های نهادی بر طبق چهار معیار: پایبند کردن اعضای خود به فضیلت حقیقت‌جویی، وفای به عهد، عملکرد منصفانه و سعی در کاهش تبعیض‌ها، معمولاً خوب عمل کنند، روابط اعتماد افقی و عمودی شکوفا می‌شود. در نتیجه، شهروندان همدیگر را به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده یک جمهوری سیاسی می‌شناسند و به یکدیگر اعتماد خواهند کرد. بر عکس مشاهده نهادهای ناکارآمد می‌تواند انسجام جوامع سیاسی مدرن را تضعیف کند (افه، ۱۳۸۴). عدم توفیق اعتماد نهادی در افزایش خود و به تبع آن ضعف اعتماد اجتماعی، احتمالاً ناشی از موارد زیر است:

الف) توجه کم به معنادار بودن و همین‌طور ایجاد ارزش‌ها و تدوین قوانین براساس ویژگی‌های خاص آن نهاد، طوری بوده

است که رفتار کسانی که با آن نهاد رابطه دارند، نهادمند گردد. همین‌طور به دنبال آن ممکن است ادعاهای هنجارآفرین نهادهای مختلف جامعه مورد پذیرش نباشد یا ادعاهای آن نهادها با واقعیت هم‌خوانی نداشته باشد (آن نهادها به وعده‌های خود عمل نکنند یا عملکردی تبعیض‌آمیز داشته باشند).

ب) احتمالاً نهادهایی که نقش‌های حمایتی دارند، مانند دادگاه‌ها، نیروی انتظامی و سازمان‌هایی مانند بیمه، نتوانسته‌اند احساس خطر پاسخ‌گویان و زیان‌های ناشی از اعتماد نابه‌جا را چندان کاهش دهند.

در کل می‌توان گفت براساس یافته‌های این تحقیق، انواع مختلف اعتماد با هم رابطه داشتند. در این میان، اعتماد نهادی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اعتماد اجتماعی داشت. اما میزان هر دو اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی کم بود. پایین‌بودن میزان اعتماد اجتماعی احتمالاً تا حدود زیادی به نقش اعتماد نهادی مربوط می‌شود. بدین دلیل و با توجه به نقش فعال دولت در جامعه ایران پیشنهاد می‌شود: اولاً در شکل‌گیری نهادها به خواسته‌ها و نیازهای مردم بیشتر توجه شود. دوم، نحوه عمل نهادها به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که مورد پذیرش و قابل پیش‌بینی باشد. سوم، نقش نهادهای حمایتی پررنگ‌تر شود و بالاخره این‌که نهادها دارای عملکردی شفاف باشند و در مقابل مردم پاسخ‌گو باشند. در این خصوص نهادهایی که با امنیت مردم سروکار دارند از اهمیت بیشتری برخوردارند.

منابع

- افه، کلاوس (۱۳۸۴) «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- الوانی، سید مهدی و حسن دانایی‌فرد (۱۳۸۰) «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، *دانش مدیریت*، شماره ۵۵، ویژه‌نامه مدیریت دولتی: ۲۷-۵.
- اوجاقلو، سجاد (۱۳۸۴) «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۴: ۱۲۵-۹۲.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴) «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی»، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه‌افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- دواس، دی، ای (۱۳۸۵) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نشر نی.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵) «تبیین افول سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهش‌شیرفاه‌اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳: ۱۴۷-۱۷۱.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶) *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵) «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: پیام نور.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳) *اعتماد اجتماعی در ایران: تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵) *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مهرآرا، علی اکبر (۱۳۷۳) *زمینه روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات مهرداد.

- Comparative Political Studies*, 40: 1328 – 1349.
- Kirsch, Jochen H. Ch. (1998) *The Military of Guatemala and Niklas Luhmann's Theory of Autopoietic Social Systems*. Thesis submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University for the degree of Master of Arts in Political Science, Dr. Timothy W. Luke Dr. Ellsworth R. Uhrman Dr. Ilja A. Luciak, Blacksburg, Virginia.
- Misztal, Barbara A. (2001) "Trust and Cooperation: The Democratic Public Sphere", *Journal of Sociology*, 37: 371- 386.
- Newton, Kenneth (2004) "Social Trust: Individual and Cross-National Approaches", *Portuguese Journal of Social Science*, 3 (1): 15-35.
- Paxton, Pamela (2007) "Association Memberships and Generalized Trust: A Multilevel Model across 31 Countries", *Social Forces*, 86 (1) 47-76.
- Vlaar, Paul W. L., Frans A. J., Van den Bosch and Henk W. Volberda (2007) "On the Evolution of Trust, Distrust, and Formal Coordination and Control in Inter-Organizational Relationships: Toward an Integrative Framework", *Group Organization Management*, 32: 407 – 429.